

نسخه‌های شفابخش برای یادگیری

(راهکارهایی برای درمان اختلالات خواندن و نوشتن دانش‌آموزان دبستانی)

با مقدمه ای از

دکتر علیرضا رحیمی (استاد تعلیم و تربیت)

نویسنده : بهروز آیرملوی



نشر نهج

تقدیم به...

کودکان پاک ایران عزیزم

که در طول سال‌ها خدمت معلمی، همواره در راه بهبود یادگیری

و تحقق عدالت آموزشی در ایران برای آنها کوشیده‌ام و از این پس

نیز خواهم کوشید.

فهرست مطالب

۵	مقدمه به قلم دکتر علیرضا رحیمی
۱۰	مقدمه نگارنده
۱۳	سرآغاز

۲۱ خواندن

۲۱	خواندن و درک مطلب
۲۵	کسب مهارت خواندن، ضرورت زندگی
۲۷	هدفهای آموزش خواندن در دبستان
۲۸	ارزشیابی توصیفی و ارتباط آن با خواندن
۳۱	ملاکهای تشخیص اختلال خواندن در مدرسه
۳۳	عواملی که در آموزش خواندن میبایستی مورد توجه باشد
۳۵	انواع مشکلات خواندن و راهکارهای درمانی
۳۹	تمرینات مهم برای تقویت خواندن
۴۳	مراحل یادگیری مهارت خواندن
۴۶	۱۲ گام برای درمان اختلال در خواندن
۴۹	راههای درمان مشکلات خواندن در دوره ابتدایی
۵۲	تقویت حافظهی شنیداری و حساسیت شنیداری
۵۵	پرورش حس بینایی
۵۹	تمرکز و حواس پنج گانه
۶۲	تسلط دانشآموزان بر روشهای تندخوانی

۶۳ نوشتن

۶۳	"دست خط" اولین مرحلهی نوشتن
۶۴	شرایط موثر بر بدخطی دانشآموزان
۷۰	مهمترین اختلالات نوشتن در دانشآموزان
۷۳	آشکال مختلف بدخط نویسی
۷۳	راهکارهایی برای تقویت دست خط کودکان
۷۵	نتیجهگیری
۷۶	خطاهای متداول در نوشتن
۷۷	مهمترین علل بدخطی دانشآموزان
۷۸	روشهای ترمیمی

۸۵	تقویت مهارت‌های حرکتی ظریف
۹۰	پرورش حرکات نوشتن با دیگر وسایل (تجارب موفق نگارنده)
۹۴	تمرینات تقویت حافظه شنیداری و تکلیفی جهت افزایش ادراک شنیداری
۱۰۰	تجربیهی ارزشمند نگارنده از مدارس ترکیه
۱۰۱	یک تمرین کاربردی!
۱۰۳	یک تجربیهی موفق نگارنده از کشور آذربایجان
۱۰۴	تمرین تقویت هماهنگی دیداری حرکتی

اختلال املاء نویسی ۱۰۸

۱۰۸	تعریف املاء
۱۰۸	ضرورت آموزش املاء
۱۰۹	منشأ اشکالات املائی
۱۰۹	انواع اشکالات املائی
۱۱۰	راهکارهای رفع اشکالات املائی
۱۱۱	املاء از طراحی تا طراحی
۱۱۲	آشنایی با انواع اختلالات دیکته نویسی
۱۱۸	شناخت واژه‌ی «املاء»
۱۲۰	روشهای نوین املاء در ابتدایی
۱۲۹	نکته‌های مهم در املاء گویی
۱۳۱	روشهای تصحیح املاء
۱۳۲	اشکالات و اختلالات املائی
۱۳۴	درمان اختلالات املائی
۱۳۵	درمان و تقویت حافظه دیداری و توالی دیداری
۱۳۶	درمان تمییز دیداری
۱۳۶	درمان و تقویت حساسیت شنیداری
۱۳۸	تمریناتی برای تقویت املاء
۱۴۰	مشکلات املاء در پایه اول

به نام خداوند جان و خرد

مقدمه به قلم دکتر علیرضا رحیمی^۱

نقطه آغاز آموزش: طرح پرسش‌های اساسی

نقطه‌ی آغاز، کم اهمیت نیست!

ما، اغلب، در ابتدای هر حرکتی، به پایان راه و هدف آن می‌اندیشیم. این درست است! اما درست‌تر این است که «آغاز» راه نیز، به اندازه هدف و پایان آن، اهمیت داشته باشد؛ زیرا جهت حرکت، سرعت حرکت و لوازم سفر، همه و همه، باید از همان ابتدا تدارک شوند. این، توجه به نقاط آغاز را ضروری می‌کند؛ و اساساً اندیشیدن به آن جزو اقدامات عقلانی انسان‌های عاقل است؛ همان‌هایی که قرآن، «صاحبان رای و خرد» (اولوالالباب) می‌نامدشان.

هدف... آرمان... آرزوی ما چیست؟

تربیت، امری واقعی است و بر واقعیت‌ها تکیه دارد؛ اما همواره باید رو به سوی آرمان‌ها و اهداف متعالی داشته باشد. برای تربیت، باید واقعیت‌ها را شناخت؛ اما نباید به آنها اکتفا کرد و در برابر آنها متوقف شد. بلکه باید به آرزوها و آرمان‌ها همچون اهدافی برای دست یافتن و نقاطی برای رسیدن توجه نمود.

و اکنون، آرزوی ما، تحقق تربیتی است که آثار آن در زندگی روزمره ما و فرزندانمان مشاهده شود. این، هر چند، هدفی بزرگ و گاه، آرزو و آرمانی عظیم بنظر می‌رسد، اما دست نیافتنی نیست.

برای رسیدن به این آرزوها چه نیازهایی داریم؟

آرزو، خواب و خیال نیست. آرمان و هدف، دست نیافتنی نیست. اما برای رسیدن به آن، باید از هفت خوان گذشت. باید تلاش کرد و کوشید و خسته نشد. راه، طولانی و سخت است اما آن را می‌توان پیمود؛ باید نخست، خود در طریق دانایی قدم برداریم تا سپس بتوانیم بر اساس دانش صحیح نظامی تربیتی بنا کنیم؛ تا فرزندانمان، در آن، بگونه‌ای تربیت شوند که بتوانند بر مبنای «خرد» زندگی کنند.

پس، دو گام اساسی پیش روی ماست: نخست باید «بدانیم» سپس باید بر مبنای این دانستن، «عمل» کنیم. این دانستن و این عمل کردن، هر دو مربوط به امر تربیت است؛ پس، آن را «دانش و اندیشه تربیتی» و این را «عمل تربیتی» می‌نامیم.

برای تحقق آرزوی بزرگ «زندگی خردمندانه»، باید «فهم زندگی» را خوب خوب بیاموزیم تا هم بر اندیشه و هم بر عمل تربیتی ما اثر بگذارد.

این فرایند یاددهی-یادگیری، این جریان آموختن، هم «معلم» می‌خواهد، هم «شاگرد»؛ هم «مربی»، هم «متربی»... و باید بدانیم که همه مسئولیت‌ها متوجه «معلم» است؛ «متربی» اگر مسئولیتی داشت که دیگر شاگرد نبود!

این مسئولیت چیست؟

معلمان، باید با تکیه بر دو مفهوم «دانش و اندیشه تربیتی» و «عمل تربیتی» در پی دستیابی به راه‌هایی باشند که مطابق آن بتوانند «دانش تعلیم و تربیت» را «مبنای منطقی و صحیح عمل تربیتی» خود قرار دهند. باید بتوانند تأثیر پیوند میان حوزه نظر و عمل را به واقعیت آموزش و کلاس درس بکشانند.

باید به معلمان کمک کنیم تا به جنبه‌های تربیتی آموزش توجه نموده و در فعالیت‌های آموزشی خود «ملاحظات تربیتی» را بکار گیرند. بنابراین ضروری است ابتدا در باره «مبانی و اصول تعلیم و تربیت» و دانش‌های مرتبط با «فن آموزش» اطلاعاتی داشته باشیم.

به عنوان یک معلم، باید «آموزش» را بشناسیم.

باید بدانیم برای آموزش هر چیز، به چه چیزهایی نیاز است: باید بدانیم «چه چیزی را؟»، «چه کسی؟»، «به چه کسی؟»، «چرا؟»، «چگونه؟»، «کی؟»، «چه اندازه؟»... باید یاد بدهد.

آموزش، به همه این‌ها احتیاج دارد و حتماً می‌دانید که این روزها، این نیاز، شدیدتر و جدی‌تر است!... شما می‌خواهید به بچه‌ها «چگونه زیستن» را بیاموزید... و حتماً می‌دانید، این هدف چقدر بزرگ است! بی‌تردید می‌دانید اقدامات شما در این زمینه، چقدر خطیر و سرنوشت‌ساز است!... و حتماً می‌دانید که خطا در این زمینه، به هستی و حیات انسان‌ها مربوط است!... شما با آموزش صحیح «زندگی» می‌توانید «زندگی» بسازید و با آموزش ناصحیح آن، «زندگی» را به نیستی و نابودی بکشانید!!

برای "آموختن برای زیستن" باید مهیا شویم!

می‌خواهیم «زندگی» را به دیگران یاد بدهیم؟ این را وظیفه و مسئولیت خود می‌دانیم؟ می‌خواهیم به معلم بودن افتخار کنیم؟... این، بسیار خوب و ستودنی است. اما، بد نیست از خود پرسیم آیا کوله‌بارمان برای این سفر آماده است؟ آیا مهیای این اقدام خطیر هستیم؟... آیا با مبانی، اصول و روش‌های آموزش، با مبانی و اصول تربیت و با علوم تعلیم و تربیت آشنایی داریم؟ آیا بر روش‌های خاص آموزش «چگونه زیستن» تسلط داریم؟

باید بدانیم که بدون این دانش‌ها و توانایی‌ها، ممکن است خطا کنیم!... مبدا به جای حیات بخشیدن، در عمل، انحراف و کژی بیافرینیم!

نخستین گام آمادگی برای آموزش «زندگی» به دیگران، این است که بدانیم چه نیازها، چه کمبودها و چه تقایصی داریم.

برای آموزش، ابتدا باید به سؤال‌های اساسی پاسخ داده شود.

معلم، نخست باید در باره «محتوای آموزش» بداند و بیندیشد... دوم اینکه باید در باره «آموزش» بداند: معلم باید بداند، «چه چیزی را؟»، «چه کسی؟»، «به چه کسی؟»، «چرا؟»، «چگونه؟»، «کی؟»، «چه اندازه؟»... باید یاد بدهد.

پاسخ به سؤال‌های اساسی به ما کمک می‌کند مسیر آموزش را به سهولت و به درستی طی کنیم.

چه چیزی را؟ وقتی می‌گوییم «چه چیزی را؟» مقصودمان این است که قرار است چه محتوایی آموزش داده شود و چه چیزهایی آموزش داده نشود. پاسخ به این سؤال، طیف وسیعی از موارد دانستنی را در بر می‌گیرد

چه کسی؟ این سؤال، یعنی چه کسی می‌تواند و صلاحیت دارد که آموزش دهد؟ معلم باید از چه توانایی‌ها و دانایی‌هایی برخوردار باشد؟ چه ویژگی‌هایی داشته باشد؟ (نیاز یک معلم به تمامی «دانایی‌ها»، «توانایی‌ها» و «خصایص و ویژگی‌ها» در این جا مطرح می‌شود).

به چه کسی؟ این سوال مربوط به است به شاگرد. در این جا ما باید شاگرد را بشناسیم. ویژگی‌های روحی و روانی، توانایی‌ها و محدودیت‌های شناختی، ویژگی‌های عاطفی وی و... بدون شناختن «متربی»، تربیت، کور، گنگ و علیل است!

چرا؟ چرا باید آموزش داد؟ یادگیری چه اثری در زندگی ما و فرزندانمان دارد؟ (این، مربوط است به فلسفه و هدف اساسی آموزش، اهمیت و ارزش آن و...)

چگونه؟ این، سؤالی بسیار مهم و اساسی است که بخش بزرگی از تلاش معلم باید مصروف پاسخ‌گویی به آن گردد زیرا پاسخ این سؤال با نحوه آموزش از سوی معلم و میزان یادگیری از سوی شاگرد بستگی تام دارد... و حتما می‌دانید که آموزش یک سوی ماجراست و یادگیری سوی دیگر آن. یعنی بدون یادگیری -از سوی شاگرد- تمام زحمت آموزش -از سوی معلم- بی‌نتیجه می‌ماند و هدر می‌شود!

کی؟ تا کی؟ چه اندازه؟ با چه ابزاری؟ ... این‌ها سؤالات عقلانی ریز و درشتی هستند که پیش از هر اقدام آموزشی، باید توسط معلم، پاسخ داده شوند.

نقطه پایان آموزش: امید به یادگیری!

از یاد دادن تا یاد گرفتن!

مربیان و دانشجو-معلمان باید به این نکته اساسی دقت کنند که یاد دادن و آموزش عملی است که معلم انجام می‌دهد و به اصطلاح "امری معلمان" و مربوط به "طرف آموزش"^۲ است اما یادگیری، تغییری است که در افراد تحت آموزش یعنی در شاگردان بوجود می‌آید و امری است که اصطلاحاً مربوط می‌شود به "طرف یادگیری"^۳

همانطور که در بند قبل نیز گفته شد آموزش یک واقعیت است و یادگیری واقعیتی دیگر. ممکن است همه چیز یکی از این واقعیت‌ها درست و کامل باشد اما ضرورتاً همه چیز واقعیت دیگر، همانی نباشد که مورد انتظار است. بنابراین یادگیری همیشه برابر با یاددهی نیست!

گاهی این عدم تساوی میان یاددهی و یادگیری ممکن است خودخواسته و حاصل عزم و اراده یاددهنده و یادگیرنده باشد و گاهی هم خارج از اراده آنها!

اختلال در یادگیری: از درک معنا تا درمان

اختلال یادگیری یکی از نمونه‌های بارز عدم تعادل و تساوی میان یاددهی و یادگیری است... و اغلب، این گونه تصور می‌شود که امری است مربوط به آن بخش‌هایی از شخصیت یادگیرنده که خارج از اراده و قدرت تصمیم‌گیری اوست.

پاره‌ای صاحب نظران، آن را "علت" عدم دست یابی به اهداف یادگیری می‌دانند و برخی نیز ممکن است آن را "نشانه" ناتوانی در یادگیری قلمداد کنند... عده‌ای آن را کاملاً غیرارادی و مثلاً ناشی از بیماری تلقی می‌کنند و عده‌ای ممکن است آن را حاصل اراده‌ای پنهان برای مقاومت در برابر آموختن تلقی کنند... عده‌ای آن را بیماری و عده‌ای آن را حاصل بیماری می‌دانند! و...

من معتقدم، انسان می‌تواند از طریق آگاهی، بسیاری از اموری را که بظاهر مشمول اراده‌های انسانی نیستند، تحت این امور قرار دهد... مقصودم این است که می‌توان بسیاری از مشکلاتی را که معمولاً آنها را خارج از اراده خود می‌دانیم (یعنی آنها را قهری و قسری و اجباری تلقی می‌کنیم) به اموری آگاهانه و تحت تاثیر آگاهی و اراده خویش تبدیل کنیم!... این توانایی در انسان هست که دایره اراده خویش را گسترش دهد... به این تعبیر، دایره اراده آدمی توسط خود او قابل توسعه و گسترش است.

و اکنون اگر کسی بتواند از طریق آگاهی دادن به دیگران، به آنها یاد دهد که اموری را که از اراده خویش خارج می‌دانند، آگاهانه و با تصمیم، تحت اراده خویش قرار دهند؛ دایره اراده آنها را گسترش داده است. به عبارت دیگر، حوزه امور ارادی انسان با تعلیم و تربیت قابل توسعه است. و یک معلم می‌تواند شاگردان خویش را

^۲ Teaching side

^۳ learning side

در "یاد دادن به خویش" توانا نموده و این امکان را برای آنها فراهم آورد که آنان با آگاهی، مربی خویش شوند و خودشان را به آرامی رشد دهند.^۴

از این رو، بجز مواردی که اختلال در یادگیری به علت مشکلات جسمانی یا روانی حاد از جمله بیماری‌های جسمی یا روانی ایجاد شده است، در بسیاری از موارد، کاهش و حتی رفع اختلال‌های یادگیری، با شیوه‌هایی معلمان، یعنی از طریق آموزش و اقدامات تربیتی امکان‌پذیر است. این اقدامات، به عقیده من، همان رفتارهایی است که یک معلم آگاه و صبور را از معلمی ناتوان و سطحی نگر و عجول متمایز می‌سازد. اقداماتی تربیتی که باعث می‌شود دایره اراده شاگرد برای تسلط بر خود گسترش یابد. این، همان وظیفه بزرگی است هر معلم، باید در کلاس درس و هر یک از والدین در منزل، آن را ایفا کنند، چیزی که تحت عنوان "ایجاد انگیزه برای یادگیری"^۵ از آن یاد می‌شود.

این کتاب، که توسط یک معلم نگاشته شده است مسلماً نمی‌تواند و نباید مدعی ارائه راه کارهای درمانی برای اختلالات یادگیری ناشی از بیماری‌های جسمی و روحی کودکان -بیماری‌ها و نارسایه‌هایی که مشکلات حاد در زمینه یادگیری ایجاد می‌کنند- باشد، زیرا بی‌تردید، این، کار یک معلم نیست!... اما می‌تواند پیشنهاد دهنده آن دسته از اقدامات تربیتی باشد که موجب تقویت اراده شاگرد در رفع اختلالات یادگیری خود می‌شود؛ فعالیت‌هایی برای آموزش به کودکان در زمینه بهره‌گیری از اراده خویش برای رفع مشکلات یادگیری خویش... و این یکی از بهترین اقدامات معلمان تلقی می‌شود امیدوارم، نویسنده محترم که از معلمان کارآزموده و صاحب تجربه است از پس این ادعای خطیر بر آمده باشد و راهنمای خوبی برای مربیان و والدین تلقی شود.

دکتر علیرضا رحیمی

دی ماه ۱۳۹۵

^۴ در این باره مراجعه کنید به کتاب: منشور تربیت علوی، نوشته دکتر علیرضا رحیمی، از انتشارات نهج

^۵ Motivation to learn

به نام خالق فکرهای زیبا و خلاق

مقدمه نگارنده

اولیای دانش آموزان فکر می کنند اختلال یادگیری مربوط به تعداد محدودی از دانش آموزان بوده و فرزند آنها را شامل نمی شود در حالی که در ایران بیش از ۹۰ درصد دانش آموزان به نوعی با مشکلات یادگیری روبرو هستند که حالا این مشکلات یادگیری از پیش فعالی گرفته تا مهارت های زندگی و دست ورزی و مشکلات یادگیری در ریاضی، املاء، خواندن و درک مطلب و نوشتن و دست خط و... می باشد پس عاقلانه ترین کار این است که زود و آگاهانه خودمان دست به کار شویم و گر نه فردا خیلی دیر است و جبران ناپذیر.

با شروع هر سال تحصیلی کودکانی را می بینم که هر کدام با مشکلات خاصی وارد مدرسه می شوند گاهی مشکلات آنها آشکار و برجسته، و گاهی به صورت پنهان و با مرور زمان خودش را نشان می دهد این مشکلات به دو بخش تقسیم می شود مشکلات رفتاری و دیگری مشکلات یادگیری که حالا این دو مشکل هم به نوبه ی خود به چند بخش اصلی و جزئی از نظر کارشناسان قابل تقسیم می باشد اما در این کتاب بیشتر به مشکل دوم یعنی مشکلات یادگیری حالا به عنوان اختلالات یادگیری یا ضعف یادگیری می پردازم با مشاهده ی دانش آموزانی که در خواندن، نوشتن، املاء و دست خط مشکل یادگیری دارند و دائماً اولیای آنها را می بینم که با ابراز نگرانی و ناراحتی از آینده ی فرزندانشان، فرایند تحصیل و یادگیری دانش آموزان را در جهت منفی، دانسته یا نادانسته سوق می دهند با مشاهده ی ضعف یادگیری در هریک از مواد درسی که امروزه بر اساس آخرین یافته های مدرسه ای و دانشگاهی، ضعف در خواندن و درک مطلب، املاء و نوشتن و دست خط بسیار پررنگ تر شده است و البته ریشه ی ضعف این دروس از خواندن و درک مطلب ناشی می شود و به خصوص مشکل خواندن و درک مطلب در مناطق دوزبانه این روزها در حال پیشرفت است.

معلمان با مشاهده ی چنین ضعف هایی و ناتوانی یادگیری اولین تصمیمی که به ذهنشان می آید، معرفی این دانش آموزان به مراکز اختلالات یادگیری در هر شهر می باشد و اولیاء فرزندانشان را بعد از ساعات مدرسه به این مراکز می برند به امید اینکه وضع یادگیری آنها بهبود یابد و مشکانشان برطرف گردد. اما نویسنده به عنوان یک معلم چندین سال با این دانش آموزان و اولیاء در ارتباط بوده. متأسفانه به جای

برطرف شدن مشکل یادگیری دانش‌آموزان یک سری از مشکلات یادگیری حتی رفتاری آنها اضافه می‌شود و این دانش‌آموزان با مراجعه به چنین مراکزی به دلیل جدا شدن از محیط اصلی آموزش خود و جدا شدن از دوستان و طی کردن مسیری متفاوت، و وارد شدن به فضای متفاوت، مشکلاتی از قبیل: افسردگی، ضعف در اعتماد به نفس، احساس شکست و ناتوانی، گوشه‌گیری، پرخاشگری گریبان‌گیر دانش‌آموز می‌شود.

واقعیت این است که با حجم زیاد مطالب درسی و مشکل شدن دروس، معلمان ما فرصت رسیدگی خاص به دانش‌آموزان از این قبیل را ندارند. البته رسیدگی به این دانش‌آموزان مطالعات و تخصص‌های خودش را می‌طلبد، که معلمان عادی ما ندارند مگر این که مطالعه‌ی آزاد داشته باشند و یا به آموزش و پرورش استثنایی و یا اختلالات یادگیری و روش‌های تشخیص و درمانی آن مسلط باشند که متأسفانه بیشتر معلمان ما کارشان در همان برنامه‌ی درسی متداول در مدارس تعریف و تدوین شده و اقدامات خاصی برای رسیدگی به این دانش‌آموزان که در دروس ریاضی، املا، خواندن و نوشتن مشکل دارند تدوین و تعریف نشده است. بخشی از این دانش‌آموزان با وجود مراجعه به مراکز اختلالات یادگیری نه تنها مشکلاتشان حل نمی‌گردد بلکه زیاده‌تر هم می‌شود. بخشی دیگر چون سیستم غربالگری در پایه‌های بالاتری وجود ندارد با توصیفی شدن نمرات به راحتی و با داشتن مشکلات اساسی یادگیری قبول شده، به پایه‌های بالاتر می‌روند و این مشکلات را با خود یدک کشیده و رفته رفته بر وزن و حجم و تعداد و مشکلات یادگیری آنها افزوده می‌شود، در دوره‌ی راهنمایی با افت تحصیلی شدیدی روبرو می‌شوند که دیگر قابل جبران نمی‌باشد و با سرنوشت این دانش‌آموزان گره می‌خورد.

نویسنده، با مشاهده‌ی بسیاری از این تباهی‌ها، افت تحصیلی‌ها و حتی ترک تحصیلی‌ها، به این نتیجه رسیده که در همان دوره‌های پیش دبستانی تا پنجم و حتی ششم ابتدایی می‌توان با شناخت ضعف‌ها و مشکلات، راهبردهای یادگیری و راهکارهای درمانی را برای حل فوری این اختلالات به کار بست و از گستردگی و عمیق‌تر شدن آن جلوگیری کرد.

در حال حاضر، میلیون‌ها دانش‌آموز در کشور ما در حال تحصیل هستند، روز به روز بر تعداد دانش‌آموزانی که مشکلات یادگیری دارند افزوده می‌شود، و این در حالی است که ساز و کارها و حمایت‌های تخصصی و جدی و فراگیر وجود ندارد، بهتر بود این حمایت و تقویت از طرف مدارس انجام می‌گرفت و معلم همان دانش‌آموز با بسته‌های آموزشی و گذراندن دوره‌های تخصصی اختلالات یادگیری اقدام به حل مشکلات این دانش‌آموزان می‌کرد ولی خوب حالا چه کار باید کرد؟ ما که اکنون دانش‌آموزانمان در حال گذر از این مراحل هستند و این سیستم هم‌چنان می‌چرخد، اما نقش من معلم و اولیاء چه می‌تواند باشد؟

در سیستم آموزشی فعال و پویا، اولیاء نقش معلمی را دارند. باید اینجا علاوه بر همکاری معلمان علاقمند و دلسوز، اولیای دانش‌آموزان، اگر خواهان حل مشکل یادگیری فرزندانشان هستند، باید وارد میدان شده و نقش فعال خود را ایفاء کنند. بسیاری از اولیاء فکر می‌کنند وارد شدن به این عرصه بسیار سخت و پیچیده است اما این‌طور نیست.

بسیاری از دانش‌آموزان را یا به طور شخصی و یا با آموزش دادن اولیای آنها که بیشتر از طریق نوشته و جزوه‌های آموزشی صورت می‌گرفت، مشکلاتشان را حل نمودم و مطمئنم اولیای عزیز با مطالعه‌ی این کتاب و معرفی این کتاب به سایر دوستان و آشنایان، در رشد و بالندگی فرزندان عزیزمان مشارکت داشته باشند. لذتی که یک دانش‌آموز از یادگرفتن می‌برد، برای اول و آخر همه‌ی ما بس است. این کتاب عصاره‌ی چندین جلد کتاب می‌تواند باشد که با مطالعه‌ی آن دغدغه‌ها و نگرانی‌های یادگیری و تحصیل دانش‌آموزان برطرف خواهد شد.

این کتاب می‌تواند مورد استفاده‌ی دانش‌آموزان عادی، تیزهوش و یا دانش‌آموزانی که به نوعی در یادگیری مشکل دارند، مورد استفاده قرار گیرد. کتاب جامعی است که برای هر مدرسه و معلم و اولیاء بسیار ضروری و کاربردی می‌باشد.

نکته‌ی جالب این کتاب این است که به نکات کلیدی و کاربردی تاکید کرده است و با زبان بسیار ساده که قابل استفاده برای همه می‌تواند باشد تدوین گردیده است.